

هدفمند کردن یارانه ها تحول یا خود زنی

اشاره: در ماه گذشته موضوع هدفمند کردن یارانه ها در بستر صنعت و زندگی ایرانیان موجی از نگرانی و دلهره ها را در بین مردم و صنعتگران تشدید کرد، اگر به درستی بخواهید از کم و کیف هدفمند سازی یارانه ها مطلع شوید کمتر کسی عمق مطلب و تاثیرات بعدی آن را بتواند پیش بینی و برای شما نقل کند، حتی در مراکز دولتی نیز کم نیستند مدیرانی که فقط نوشته های رده های بالایی دولت را دیکته و باز گو می کنند و در یک گفت و گوی رو در رو نمی توانند حق مطلب را برای پاسخ گویی و رفع شبهه اداء کنند، از این رو مطلب تهیه شده زیر می تواند تا حدی نسبت به روشن شدن مسایل پیش رو، شما را یاری دهد تا برنامه های آتی خود را آن چنان که مصلحت می دانید با تغییر شرایط در ماه های آینده هماهنگ کنید، امید است در این میان لطمه اقتصادی به شما تا حدی کمتر شود.



همان طور که در شماره های گذشته نیز به آن اشاره شد در هدفمند کردن یارانه ها طرحی است که از سوی صندوق بین المللی پول در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی ارایه شده و تاکنون شاید بتوان گفت که کسی از روسای سابق جمهور جرات پیاده کردن این برنامه را نداشته است. نگاهی گذرا به طرح های این نهاد مالی بین المللی که مستقیما

مجرى سياست های آمريکا و متحدان اوست می تواند تا حدودی تاثیرات این طرح را بیش از گذشته برای مان آشکار سازد. طرح هایی چون تعديل اقتصادی که امنیت شغلی کارگران را از کشور روبرو یا خصوصی سازی که در اصل اموال عمومی یا دولتی که سالیان سال از مالیات این مردم تشکیل شده بود در یک برنامه از پیش تعیین شده به حراج گذاشته شد و ما بین خودی ها تقسیم

گشت و در نتیجه آن چنان که شاهد هستید، امروز در ایران دیگر نه خبری از امنیت شغلی وجود دارد و نه حفظ اموال عمومی با این حال هنوز هم تئوری های نئولیبرالی که در همه جای جهان اعتبار خودش را از دست داده است، و غول های نظام سرمایه سالارانی همچون آمریکا و متحدان اروپایی آن به تجدید نظر در سیستم خود روی آورده اند، معلوم نیست بر اساس کدام توجیه در کشور ما بر اجرای

تولید

**با جمع آوری
۱۲۰۰ اسکله غیر
قانونی، شاهد
هستیم که در
مدت کوتاهی
آمار ایستگاه‌های
قاچاق کالا
به ۲۴۰۰ مورد
رسیده است**

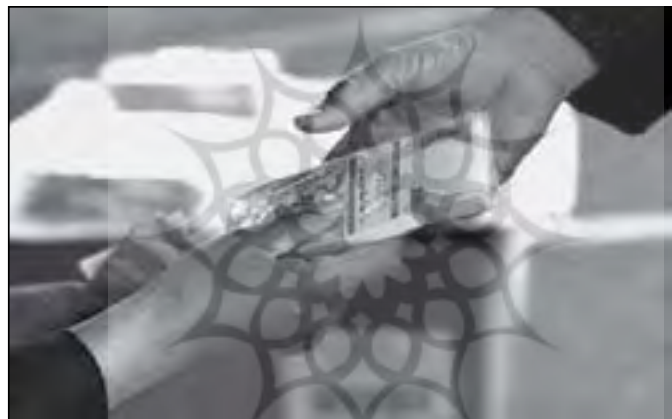
تولید

انرژی و مواد اولیه مصرفی صنایع، بهره‌وری بیشتر واحدهای صنعتی پایین است، بیشتر صنایع کشور باید به فکر بازسازی در حوزه‌های مختلف ماشین‌آلات، تکنولوژی و به‌ویژه نیروی انسانی باشند. بازسازی واحدهای تولیدی ارزان‌تر از ایجاد واحدهای جدید تمام شده بوده و زودتر نیز به نتیجه خواهد رسید.

واقعیت این است جدا از مسایل عنوان شده توسط آقایان که امروز شرایط صنعت در کشور ما به گونه‌ای است که میانگین سقف تولید در صنایع ما رقمی معادل ۴۵ درصد است، مشکلاتی چون نقدینگی، فرار

سرمایه‌گذاری در صنایع‌های تک. نهاد های دولتی معتقد هستند که هدفمندی یارانه‌ها فرصتی برای افزایش بهره‌وری واحدهای تولیدی است، در این میان عده‌ای از فعالان صنایع پا را پیش‌تر گذاشته‌اند و در گفت و گو با رسانه‌ها چنین عنوان می‌کنند که گویا باید همین صنایع را حفظ کرد یا باید به ایجاد صنایع جدیدی رو آورد؟

فروتن - مسوول مرکز تحقیقات صنایع غذایی به ایسنا، در این باره می‌گوید: صنعت‌گران در این زمینه نیازمند کمک‌های دولتی



سرمایه، فرار مغزها، واردات بی‌رویه کالا، بی‌ثباتی ارز، از یک سو و از سوی دیگر تحریم اقتصادی باعث گردیده تا رنگ و فضای اقتصاد و تولید ایرانی از شکل طبیعی خود خارج و به بیماری مزمنی دچار شود که درمان آن به جزء برنامه‌های دراز مدت همراه با مدیریت علمی و کسب ابزار لازم در این رابطه امکان نیست.

اجرای طرح تحول یا هدفمند کردن یارانه‌ها در اصل عمل جراحی اقتصاد ایران است که تیغ جراحی دولت بر صنعت کشور می‌نشیند تا نتیجه حاصل شود، قبل از اجرای این برنامه اقتصاد دانان بارها و بارها این موضوع را به

دولت بعد از هدفمند کردن یارانه‌ها باید با ارائه تسهیلات به واحدهای تولیدی صنعتی، خدماتی و کشاورزی زمینه لازم برای نوسازی واحدها را فراهم کند

رئیس انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی از مدافعان نظریه بازسازی واحدهای تولیدی فعلی بوده و این کار را ارجح بر ایجاد واحدهای جدید می‌داند.

علی نقیب در این زمینه می‌گوید: "در شرایط فعلی بازسازی و افزایش بهره‌وری واحدهای صنعتی موجود مناسب‌تر از ایجاد واحدهای جدید است."

وی با اذعان به این‌که "در حال حاضر به دلیل یارانه‌ای بودن

آن تاکید می‌شود. این نکته جای تاکید دارد که اصلاحات اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی، مدیریت منابع انرژی، به‌پا دادن به دهک‌های پایین اجتماع از مهمترین شاخصه‌های برنامه‌های اقتصادی هر کشوری می‌تواند عنوان شود، که جای حمایت و تایید دارد، ولی آیا تجربه سیاست‌های تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی ما را به نتیجه‌گیری دیگری سوق نمی‌دهد؟

بی تردید برای هر قدم اصلاحی یا تحول باید اول معضل را شناخت بعد ارایه برنامه کرد، در این میان جا دارد به مطالب عنوان شده از سوی دولتی‌ها که در رسانه‌ها منتشر شده است کمی اشاره شود: "محورهای طرح تحول اقتصادی عبارتند از: یارانه‌ها، مالیات، گمرک، بانک، ارزش پول ملی، توزیع کالا و بهره‌وری. این موارد از مهمترین موضوعات اقتصاد کشور بوده و با اصلاح آنها شاهد تحول در ساختارهای اقتصادی و جهش اقتصادی خواهیم بود"

کمک‌های فنی و اعتباری به صنایعی که شرایط زیر را دارا هستند ارایه می‌شود:

- طرحهای دارای پیشرفت فیزیکی بالای ۸۰ درصد.

- آورده متقاضی در طرح سرمایه‌گذاری تحقق یافته باشد.

- طرحهایی که در مناطق محروم و کمتر توسعه یافته کشور اجرا شده‌اند.

- طرحهایی که بدلیل مشکلات ناشی از افزایش قیمت‌ها و عوامل بیرونی به بهره‌برداری نرسیده باشند مشروط به تامین سهم بانک و متقاضی.

- طرحهای توسعه‌ای که از شاخص‌های اقتصادی مناسبی برخوردار باشند.

نقد گذاشتند، و از زوایای مختلف مسایل را عنوان کرده اند، ولی گویا این نقد ها به جایی نرسیده است. در این میان کافی است نگاهی به وضعیت قاچاق کالا ببینیم تا شرایط فعلی کمی روشن تر شود، جدا از مسایلی که در بالا مطرح شد جا دارد تصور شود با اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها چه برآیندی حاصل می شود.

رونق در قاچاق کالا حتمی است

شاید بتوان با اطمینان گفت ورود کالای قاچاق شتاب مضاعفی خواهد گرفت، بی تردید واردات بی رویه کالا از سوئی و قاچاق کالا دو روی یک سکه هستند که تولید ایرانی را با معضلات اساسی روبه رو کرده اند، در حال حاضر با جمع آوری ۱۲۰۰ اسکله غیر قانونی، شاهد هستیم که در مدت کوتاهی آمار ایستگاههای قاچاق کالا به ۲۴۰۰ مورد رسیده است، قاچاقچیان اکنون به راحتی کالای قاچاق را به کشور وارد می کنند، در این ارتباط قایق های تند رو بسیار پیشرفته کنار ساحل پهلو می گیرد و در مدت کوتاهی ده ها ماشین باری کالا ها را حمل و به مقاصد خاص خود منتقل می کنند.

۳۰ درصد قاچاق توسط پيله و ران مرز نشینان انجام می شود

۷۰ درصد قاچاق توسط دانه درشت هایی انجام می شود که تعداد این افراد بسیار محدود است، سه برابر واردات حجم قاچاق است که وقتی این دو شاخصه (واردات - قاچاق) با هم پیوند می خورند عمق اضمحلال صنعت ایران نمایان می شود، سرعت قاچاق کالا در ایران به چند روز نمی رسد، طی کشفیات نیروی انتظامی یکی از کالاهایی که از کشور هلند تولید و به ایران قاچاق شده بود فقط سه روز از تاریخ تولید آن می گذشت که توسط این نیرو کشف گردیده است. قابل ذکر است کلیه کالا های قاچاق دارای بیمه نامه است که در صورت هر گونه اتفاقی شرکت های بیمه ای خارجی خسارت را به قاچاقچیان پرداخت می کنند. از این زاویه وقتی وضعیت را تحلیل می کنید به خوبی متوجه می شوید که اجرای طرح تحول چندان هم ساده و روان نیست، پر واضح است که در هدفمندی یارانه ها به ادعای دولتیان ۳۵ درصد تورم ایجاد می شود، در همین شرایط هم قیمت هزینه های تولید در ایران بسیار بالا تر از کشور های دیگر است و درست به همین خاطر بازار واردات و قاچاق کالا رونق خوبی برای سودگران دارد، بنا بر این با لا رفتن دوباره هزینه های تولید فاصله ی

قیمت را بین کالای قاچاق و تولید ایرانی باز هم بیشتر می کند و در این صورت حتی ریسک ۱۰۰ درصدی چنین عملی باز هم برای قاچاقچیان سود پر منفعتی تلقی می شود. آیا برای اجرای چنین طرحی دولت یارای این را دارد که جلوی واردات بی رویه و قاچاق کالا را بگیرد؟ آیا طی ۳۰ سال گذشته چند بار نهاد های دولتی توانایی مقابله با سلاطین حاکم بر بخش های اقتصادی، اجتماعی و غیره را داشته اند؟

آیاد شرایطی که تحریم اقتصادی به خودی خود نیروی عظیمی را به عنوان نبردی اقتصادی طلب می کند که خود مقوله ای از سازمان دهی ملی و هزاران پارامتر دیگر را شامل می شود وارد شدن به اجرای طرح هدفمند کردن یارانه ها می تواند برآیند مثبتی برای کشورمان به ارمغان آورد؟

تردید نیست که در این میان باید گفت تبعات این طرح در شرایط فعلی بیشتر خود زنی است تا دست آوردی قابل تاکید، شکی نیست که کارخانه های بزرگتر باقی خواهند ماند و واحد های پایین دستی دچار مشکلاتی به مراتب سخت تر از قبل خواهند شد که تسهیلات مالی به صورت قرض الحسنه هم آن چنان که تاریخ گذشته نشان داده است نمی تواند سمت و سویی از تولید را طی کند و به همان جاهایی می رود که وام ها قبلی رفته است.

در این میان تشکل های صنفی کارفرمایی هم که در همه حال وام دار دولت هستند به جای درخواست برای عقب انداختن اجرای این طرح فقط نظاره گری بیش نیستند و طولی نخواهد کشید که تبعات چنین طرحی تار و پود واحد های تولیدی را در هم می نوردد.



۳۰ درصد قاچاق توسط پيله و ران مرز نشینان انجام می شود، ۷۰ درصد قاچاق توسط دانه درشت هایی انجام می شود که تعداد این افراد بسیار محدود است، سه برابر واردات حجم قاچاق است که وقتی این دو شاخصه (واردات - قاچاق) با هم پیوند می خورند عمق اضمحلال صنعت ایران نمایان می شود

تولید